

روژه

واکش جلالی به خبرسازی سایت زاکانی:

بوتن‌سازان از روش‌های کنیف برای حذف رقیب استفاده می‌کنند

● کاظم جلالی، رییس فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت در خصوص حاشیه‌نگاری‌هایی که از جانب برخی سایت‌ها درباره جلسه استیضاح دکتر فرجی‌دانا، وزیر سابق علوم صورت گرفته، توضیحاتی را بیسان کرد. جلالی در یادداشتی که روز گذشته منتشر کرد، نوشته است: اخیرا سایت جهان‌نیوز، وابسته به جناب آقای زاکانی، در مطلبی تحت‌عنوان «ناگفته‌های استیضاح وزیر علوم» آورده است: «آقای کاظم جلالی از طرف آقای لاریجانی ماموریت داشته تا در طول مذاکرات مجلس به رابزنی و ارزیابی خود ادامه دهد و سرانجام پس از نقطه‌نظرات موافقان و مخالفان استیضاح و نظرات وزیر، آقای جلالی به رییس مجلس اعلام می‌کند که احتمال رای‌آوردن استیضاح ۵۰ - ۵۰ است. اینگونه بود که آقای لاریجانی در پایان جلسه آن موضع حمایتگرانه را نسبت به وزیر گرفت و با پیشنهاد تلویحی برکناری دو معاون وزیر، خواستار حفظ او شد.»جلالی در ادامه نوشته: «من نمی‌دانم دوستان حاشیه‌نویس از کجا به چنین دریافتی دست یافته‌اند و کدام دستگاه استخبراتی قوی توانسته به چنین کشف بزرگی نایل شود، در حالی که اگر فیلم‌های مجلس نیز بازبینی شود، مشخص می‌شود که بنده در زمان‌های نزدیک به پایان استیضاح، مراجمعی به جناب آقای دکتر لاریجانی نداشتیم. اما نکته قابل‌تأمل اینجاست که بر فرض که اینجانب گفت‌وگویی خصوصی یا به تعبیر عامیانه درگوشی با جناب آقای دکتر لاریجانی داشتم، برادران عزیز متولی سایت جهان‌نیوز، از کجا و به چه طریقی مضمون این گفت‌وگوی اختصاصی را شنود کرده‌اند؟ آیا در وجود ما دستگاه شنود کار گذاشته‌اند؟»جلالی در بخش دیگری از یادداشت خود، خطاب به مردم نوشته است: «ما اصولگرا هستیم و اتفاقا مشکل ما با بخشی از مدعیان اصولگرایی و بوتن‌نویسان در همین‌جاست که آنان با عمل خود نشان می‌دهند که برای اهداف بزرگی چون صیانت از انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی می‌توان‌ از هر گونه ابزار کنیف، غیراخلاقی یا حتی بالاترین و ناپخته‌ترین‌ گناه یعنی دروغ، در جهت حذف و خدشه‌دار کردن رقیب استفاده کرد.» رییس فراکسیون رهروان ولایت در انتهای یادداشت خود در عباراتی که مخاطبان آن کلاما مشخص هستند، نوشته‌است: «عدای با انحصارگرایی تام و استفاده از ابزارهای خلاف شرع و انصاف و وجدان هرروز درصدد تخطئه دیگرانند و صد افسوس و تاتر و تاسف که همه این رفتارها از عصبانیت ناشی از باختن قافیه گردونه قدرت به نام اصولگرایی و دفاع از ارزش‌های دینی و انقلابی نشأت می‌گیرد»

شرق: «مشارکت اقتصادی زنان، راهکارها و چالش‌ها» موضوع نشستستی دانشجویی بود که این هفته در محل آمفی‌تئاتر باغ‌موزه «قصر» برگزار شد. «زهره ارزنی» حقوقدان و «محمد مالجو» اقتصاددان، سخنرانان این نشست بودند که با مروری بر قوانین و رخدادهای حوزه اشتغال در سال‌های گذشته، به بررسی وضعیت اشتغال زنان پرداختند.

«ارزنی» ابتدا مروری به قوانین داخلی در زمینه اشتغال کرد و گفت: «در قانون اساسی افراد در انتخاب شغل آزادند. در قانون استخدام کشوری هم از مستخدم بدون اشاره به جنسیت نام برده شده است. گرچه قانون استخدام کشوری کمی مردسالارانه نوشته شده است.» «ارزنی» با اشاره به اینکه «تدوین‌کنندگان قانون آن زمان هم بیشتر نگاهشان بر مستخدمان مرد بوده است، چراکه از حق مرخصی یکماه نام برده شده‌است اما به مرخصی زایمان اشاره‌ای ندارد و این نوع مرخصی بعدا در آیین‌نامه‌ها اضافه شده است.» افزود: «در قانون کار، اصطلاح کارگر را بدون اشاره به جنسیت داریم. اما در فصل شرایط کار با مبحثی درخصوص شرایط کار زنان روبه‌رو هستیم که به نظر می‌رسد مزایایی برای زنان در نظر گرفته شده است. مثل اینکه کارهای سخت و زبان‌آور برای زنان قدفن است و کارفرما طبق این قانون مجبور است زنان باردار را به کارهای سهل‌تر منتقل کند.» ارزنی با اشاره به «اجبار کارفرما در اعطای شش‌ماه مرخصی زایمان، اختصاص زمانی برای شیردهی (هرسه‌ساعت‌ونیم یکبار به مادر) و تأمین مکان یا هزینه مهد کودک» گفت: «این‌ها از نگاه مثبت نوعی امتیاز برای زنان محسوب می‌شود، اما از نگاهی نه» «ارزنی» در توضیح چرایی این مساله گفت: «در بخش‌های دولتی کارهای خدماتی به پیمانکاران واگذار می‌شود و اولویت کارفرمای بخش خصوصی، استخدام زنان مجرد است تا به این وسیله خودش را از مشکلات مرخصی زایمان، هزینه مهد کودک و... که هزینه‌ها را بالا می‌برد رها کند.» او افزود: «در شکل قراردادهای موقت کار هم وضعیت زنان شکننده‌تر از مردان است، چون بیشتر از مردان حاضرند به این شرایط تن بدهند»

ایسن حقوقدان با اشاره به برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب گفت: «در برنامه اول و دوم در قانون، نگاه جنسیتی نداریم اما در قانون سوم و چهارم که در دولت اصلاحات تدوین شده این نگاه دیده می‌شود. در این قانون به توانمندی‌سازی زنان و کمک برای ایجاد تعاونی‌های زنان و آموزش زنان تاکید شده است» «ارزنی» با اشاره به قانون استخدام نیمه‌وقت زنان که این روزها هم در مجلس مطرح شده است، گفت: «عدای تفسیریشان بر این است که این قانون به نفع زنان است و برخی مخالف آن هستند. قانون نیمه‌وقت استخدام زنان سال ۶۲ به مجلس تقدیم و سال ۶۴ تصویب شد. این قانون اختیاری بود نه اجباری و خیلی جدی گرفته

ارزنی و مالجو، موانع مشارکت اقتصادی زنان را بررسی کردند

کار می‌کنند؛ پس هستند



عکس:فرشته حسینی

نشد.» او با اشاره به اینکه «سال ۹۱ دولت دهم طبق برنامه باید به ازای بازنشسته‌کردن سه نفر، یک نفر را استخدام می‌کرد» افزود: «به‌ذنبال همین مساله دولت تصمیم گرفت تا قانون استخدام نیمه‌وقت را برای زنان اجرا کند. الان هم طرحی در دست انجام است که قانون اشتغال نیمه‌وقت زنان را اجباری کنند، درحالی‌که این اجباری‌کردن می‌تواند مانع اشتغال زنان شود.» او افزود:

«قانون ما متأسفانه نان‌آور خانواده را همچنان مورد می‌پندارد و این قانون از سالال ۱۳۱۰ تغییر نکرده است درحالی‌که واقعیات جامعه چیز دیگری می‌گوید. اولویت کار وقتی به مرد داده می‌شود، ناشی از این است که او را نان‌آور می‌بینند. ولی برای زنان مجرد نان‌آور که تعدادشان کم نیست و به هر علتی ازدواج نکرده‌اند، فکری نشده‌است.»

محدودیت‌های جدید

«ارزنی» در ادامه با اشاره به این

قانون که برای دریافت جواز کسب از سوی یک زن حتما باید یک مجرم به‌عنوان مباشر معرفی شود، گفت: «تنها در دو مورد است که شما نیاز به معرفی مجرم ندارید یکی خیاطی و دیگری آرایشگاه زنانه.» «ارزنی» این قانون را مانعی در برابر اشتغال زنان عنوان کرد. او با اشاره به اینکه «تعاونی‌ها» فرصت شغلی خوبی برای زنان‌اند، گفت: «اما

ارزنی و مالجو، موانع مشارکت اقتصادی زنان را بررسی کردند

کار می‌کنند؛ پس هستند

یکی از دادگاه‌های حل اختلاف، بند کوچک سه‌ساله‌بودن موقتی حذف شد و تا قیام قیامت این ماجرای غیرقانونی اما در ظاهر قانونی ادامه دارد. دولت دهم و امروز یازدهم به‌طور غیرقانونی، زبان قانونی به این عمل عمل داده است.» او مورد دیگری که باعث کالایی‌شدن نیروی کار شده است را حضور نهاد واسطه شرکت‌های تأمین نیروی انسانی بین کارفرما و نیروی کار دانست که عملکردشان همواره به‌نفع کارفرما و زیان کارگر بوده است. به‌گفته «مالجو» معانعت از ظهور تشکلهای کارگری باعث شده که قدرت چانه‌زنی جمعی هم کاهش پیدا کند.

سید مصطفی خانوار گسترده شده

«مالجو» با نتیجه‌گیری از این بحث گفت: «در کنار این عوامل گفته شده، مساله مهم دیگر این است که سید مصطفی نیاز خانوارها هم گسترش یافته‌است درحالی‌که پیشترها وجود نداشت. تربیت فرزند یا چیزیه‌ی‌دادن قبلا اینقدر پرهزینه نبود. الان لازمه تربیت نیروی کار ماهر تغییر یافته و پرهزینه شده‌ است. به این اضافه کنید این مساله را که در سال‌های بعد از جنگ شاهد این هستیم که دولت در اجرای وظایف خود آنطور که قانون اساسی معین کرده، عقب‌نشینی کرده است. مثل آموزش‌وپرورش رایگان، و کار به بخش خصوصی سپرده شده است، گیرم با قیمت بیشتر و کیفیت کمتر»

این اقتصاددان افزود: «اگر ما در سالیان بعد از جنگ شاهد رشد فزاینده خانوارهای دو یا بیش از دو نان‌آور شده‌ایم بخش مهمی ناشی از همین افزایش مخارج خانوارها و از سویی کاهش دریافتی و مداخل است. ورود کالاهای مصرفی بادوام از عواملی بوده که به سهم خود در این گرایش فزاینده زنان به بازار کار موثر بوده است. درعین حال نکته جالب این است که خود همین علت عاملی تسهیلگر برای حضور و استمرار حضور زنان در بازار کار هم بوده است. امروز زبانی که در بازار کار حضور دارند در خانه کمتر وقت می‌گذرانند و این را مدیون همین کالاهای مصرفی بادوام مثل جلابوری‌قی، ماکروویو، فریزرها و... هستند. در نهایت به نظر من بین این عوامل رابطه دیالکتیکی وجود دارد نه علی – معلولی.»

دادوستد از درون به بیرون خانواده منتقل شده

«مالجو» با اشاره به اینکه نوع دادوستد در نهاد خانواده امروز متفاوت از گذشته است، گفت: «قبل‌تر‌ها در نهاد خانواده دادوستد صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه زن در خانواده غذا درست می‌کرد، همسر و فرزندانش می‌خوردند. انگیزه‌های مختلفی مثل عشق، فضای پدرسالار، رزق یار... در کار بوده است. در مقابل هم چیزی دریافت می‌کرده است که انگیزه‌ای غیراقتصادی بود، مثل عشق به همسر یا فرزندان یا امنیت زنانه در یک جامعه مردسالار و... الان هم کماکان غذا مصرف می‌شود اما انگیزه اقتصادی در کار است. دادوستدها از شکل معاوضه به‌مثل به سود تغییر یافته‌است. چون الان بخشی از آن غذا از رستوران یا آماده از سوپر خریداری می‌شود. الان این دادوستد در خارج از محیط خانواده صورت می‌گیرد. این تحول سرمشقا تغییرات بزرگی در زندگی زنان و مردان ما شده است»

«مالجو» در ادامه به نقش وسایل ارتباط جمعی اشاره کرد و گفت: «ورود اولیه زنان به بازار کار تجربه زیسته جدیدی برای این تازه‌واردان فراهم آورده است که آنها توانسته‌اند این تجربه را با همونعان خود شریک شوند. این تجربه زیسته جدید به سهم خودش در تغییر مناسبات سلطه جنسیتی تعیین‌کننده بوده‌است. از اینها مهم‌تر افزایش نرخ تحصیلات زنان بوده که باعث افزایش حضور آنها در بازار کار شده است و سوم مسایل گوناگونی است که ذیل عنوان جنبش زنان از آن یاد می‌کنیم.»

برای افزایش جمعیت، دولت باید به اصول مترقی

قانون اساسی بازگردد

او با اشاره به اینکه حضور زنان در بازار کسب‌وکار حداقل‌هایی برای زنان داشته که منجر به کاهش سلطه جنسیتی در خلوت شده است، گفت: «ما برای این پدیده میمون همزمان هزینه سنگینی هم می‌دهیم چون کاهش سلطه جنسیتی همزمان بوده است با استمرار در کارخانه و سلطه طبقاتی. یک رابطه دوسویه که قسمت اول گامی رو به جلوس‌ست اما قسمت دوم یک معضل جدید است که حل‌شدنش نیاز به تلاش‌های بیشتری دارد.» «مالجو» در ادامه گفت: «صحت آخر من خطاب به سیاستگذارانی است که مجموعه‌ای از سیاست‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند که برودن آنها فشار بیشتر برای ماندن زنان در نهاد خانه و عقب‌نشینی از بازار کار است. اگر امروز در سطوح مختلف سیاستگذاری نگرانی درخصوص چشم‌انداز هرم جمعیتی کشور وجود دارد، طرح‌های تفکیک جنسیتی و طرح تعالی خانواده و... در دستور کار قرار می‌گیرد.» به‌گفته «مالجو» چیزی که در حوزه سیاستگذاری ما درک نشده این است که خود اتفاق کاهش جمعیت معلول سیاست‌هایی بوده که در سال‌های بعد از جنگ در دستور کار سیاستگذاران برای خروج کشور از انواع بحران‌های اقتصادی در دستور کار قرار گرفته بوده است: «این عدم تعادل ساختاری در مداخل و مخارج خانوارها بوده که در کاهش سبایز خانوارها تعیین‌کننده بوده‌است.»

«مالجو» افزود: «برای افزایش نرخ رشد جمعیت سیاست‌هایی باید در دستور کار قرار گیرد که یکی بازگشت دولت به اصول مترقی اقتصادی قانون اساسی مانند ماده ۴۳ و ۳۰ است. دولت بایداد اجرای وظایف اجتماعی خود در زمینه آموزش، مسکن، بهداشت و... را از سر گیرد و پروژه گسترده نیروی کار و تخفیف حقوق و دستمزدها را که در همه سالیان گذشته در دستور کار بوده است، متوقف کند.» این اقتصاددان به عوامل دیگری مثل اجازه برای برپایی تشکلهای مستقل کارگری اشاره کرد و گفت: «انگونه که اتفاق بازگانی و انواع انجمن‌های صنفی وجود دارد و هر جمعی تمایل به دفاع از منافع خود در برابر دیگران دارد، کار گران هم باید از این حق برخوردار شوند.» او افزود: «اگر این اتفاق بیفتد ما کم‌کم شاهد بازگشت تعادل بین مخارج و مداخل خانوارها خواهیم بود. مثل دو مرغ عشقی که در یک قفس قرار دارند و وقتی می‌بینند به اندازه کافی غذا دارند شروع به تولیدمثل می‌کنند.»

آینده

انتظار

گفت‌وگو/ حمیدرضا جلالی پور:

اتحاد میانه‌روهای چپ و راست علیه افراطیون

اینکه یک‌تعدادی می‌خواهند یک‌جمعی داشته باشند، به‌لحاظ حق قانونی که اشکال ندارد، ولی از لحاظ وزن سیاسی و اجتماعی کار آنها اصلا با عارف قابل‌مقایسه نیست. آقای عارف را با آقای خزای مقایسه نکنید؛ عارف یک‌عقبه بوروکرات پاکیزه دارد، در افکار عمومی شناخته‌شده است و در میان نخبگان کشور مورد اعتناست. حزب ندا یک‌جریان سیاسی متعانه[قابل‌توجه] نیست و تا اینجا بیشتر اعلام علاقه چندنفرد نه‌چندان هماهنگ به کار سیاسی است. یک‌کسال دیگر دقیق‌تر می‌توان راجع‌به آن صحبت کرد... یک‌تشکل سیاسی، نخبه سیاسی آبدیده می‌خواهد که وقتی مثل هزارابنوی یک‌موضوع سیاسی را تحلیل می‌کند، اجتماع نخبگان سیاسی آن را جدی بگیرند، وگرنه مثل تشکل یک‌شبه ایدگاران دوره احمدی‌نژاد می‌شود. تشکل سیاسی، سرمایه اجتماعی متعانه می‌خواهد و سرمایه اجتماعی به‌راحتی به دست نمی‌آید. سرمایه اجتماعی بیشتر حاصل کار بی‌منت‌کردن برای همه ایرانیان و نه صرفا خودی‌هاست، یعنی کار در جهت تقویت حاکمیت قانون، دموکراسی، توسعه، عدالت و آزادی... حتی همه اعضای ستاد ۸۸ هم با ندا همه نیست. اعضای پوش موج‌سوم و اعضای ستاد محریسین موسوی‌دنبال دکان راه‌انداختن جلوی اصلاح‌طلبان نبودند و بخشی از نیروهایشان هنوز در زندان هستند. اتفاقا به یاد دارم بعضی از این دوستان ندا وقتی اصلاح‌طلب‌ها از روحانی دفاع می‌کردند اصلا فعال نبودند... اگر کسی به‌دلیل اینکه همکاری با اصلاحات هزینه دارد، می‌خواهد یک‌سازی بزند اشکالی ندارد. بزرده ولی بعدی می‌دانم در لایه‌ها و بدنه اجتماعی اصلاح‌طلب‌ها این ساز گوش شنوایی پیدا کند. تشکلهای اصلاح‌طلب، رات و فرش قرمز حکومتی ندارند. پول رانتی هم ندارند، بلکه به مرور زمان در دو دهه گذشته، به‌خطر هزینه‌هایی که در راه اصلاح امور کشور داده‌اند و با ارزش‌های اصلی انقلاب اسلامی بازی نکرده، یک‌اعتباری در میان مردم کسب کرده‌اند.

ایران

یادداشت: «راه و رسم شورا بعد از مسجدجامعی»

جمشید رضایی

نتیجه دیروز انتخاب هیات‌ریسه شورای شهر تهران نشان داد که آرایش نیروهای سیاسی در ایران سیال‌تر از آن است که بتوان با استانداردهای مرسوم دنیای سیاست به تحلیل آن پرداخت. با تغییر رایست شورا، خودبه‌خود بخشی از قدرت رسمی اصلاح‌طلبان در شورا تحلیل می‌رود. درعین‌حال انتظار می‌رود در این مرحله قدرت مانور جناح اصلاح‌طلب در بعد نظارتی و بخش غیررسمی مدیریت شهری افزایش پیدا کند. اعضای اصلاح‌طلب شورا، در همه ایام ریاست‌احمد مسجدجامعی بر شورا، به قانونی‌نواشته‌تن داده بودند که روند نقد و چالشی مدیریت تهران را محتاطانه و مصلحت‌اندیشانه پیش برند تا خواسته دیگر مسجدجامعی مبنی بر حفظ فضای همدلی و آرامش در خیابان بهشت جامه عمل بپوشد.

وضعیت امروز

گزارش: «انتخابات شورای شهر؛ شمایی کوچک از آشفتگی اصلاحات»

دیروز درنهایت، نتیجه انتخاب هیات‌ریسه شورای شهر مشخص شد و مهدی چمران با اختلاف آرای بالایی با ۱۸ رای به‌عنوان بییس جدید شورای شهر انتخاب شد. این انتخاب نشان می‌دهد اصلاح‌طلبان نه‌تنها پایگاه اجتماعی چندان در جامعه ندارند بلکه شکاف‌ها و تشقاقات‌های درونی خود را نیز نتوانسته‌اند ترمیم کنند. بدنه اصلاح‌طلبان آفت‌ر شکننده‌شده که وقتی صحبت شکل‌گیری حزب‌نما می‌شود، همه اصلاحات دچار تزلزل می‌شود. عدم‌وجود پایگاه اجتماعی، تشقاقات درونی و نبود یکپارچگی در جریان اصلاح‌طلب و خطاهای دولت که هزینه‌های آن را به‌دلیل حمایت‌های اصلاح‌طلبان در انتخابات باید آنها تحمّل شوند، همه فشارهایی است که اصلاح‌طلبان را در دو انتخابات مهم آینده یعنی مجلس شورای اسلامی در زمستان ۹۴ و انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم تهدید می‌کند. در این میان- اصولگرایان از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردارند و می‌توانند با سیاست‌ورزی عقلانی و انسجام درونی، برنده دو انتخابات آینده باشند.

مجلس

یادداشت: «غفلت از فتنه‌های اجتماعی»

محمد اسکندری

نمی‌توان واقعیت‌ها را انکار کرد. امروز خیابان‌های تهران و دیگر کالشترها به عرصه تبحر جاهلانه برخی از دختران و زنانی تبدیل شده است که الگوی خود را از مدل‌های شبکه‌های ماهوارای بـه عاریه می‌گیرند. برنله‌هایی همچون واتس‌آپ، وی‌چت، تاکگو، اسکایپ، لاین، وایبر و... برای برخی تبدیل به ملجایی برای آغاز رابطه‌های جنسی نامشروع شده و تلقن‌های همراه به مخزنی از تصاویر و فیلم‌های اروتیک در دست‌کودکان و نوجوانان مبدل گشته است. حجم عمده داده‌های اینترنت مخوفی با فرهنگ اسلامی ندارد و میزان فعالیت خودی‌ها در این حوزه بسیار اندک و دستاوردهای بومی در حوزه فضای مجازی در مقایسه با تولیدات غرب ناچیز است. در چنین شرایطی کدام دلیل، توجیه‌گر گسترش نسل‌های جدید تلقن همراه آن هم بدون هیچ نوع محدودیت است؟ به‌راستی چرا برخی واقعیت جنگ نرم و تهدید مرزهای فرهنگی را جدی نمی‌گیرند و به‌جای استحکام‌بخشی به اقلاع دفاعی، نوبل‌های ورود دشمن به داخل را با دست خود ایجاد می‌کنند؟ امروز فتنه سیاسی در حال میل به سمت فتنه اجتماعی و رواج اباحه‌گری اخلاقی در جامعه و تسری دین شخصی و درنهایت سکولاریسم است. انتظار این بود که در وضیت فعلی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات پیش از اجرایی‌سازی طرح خود به‌دنبال تدوین پیوست فرهنگی می‌فت و توصیه‌های دفعه‌مندانه مراجع و علما را نادیده‌نمی‌گذاشت.